

متن پیاده سازی شده جلسه دوازدهم سال دوم درس خارج فقه پزشکی با محوریت پرونده های قضایی 24 دی ماه 1401

برای دریافت فایل pdf [کلیک کنید](#)

نشست دوازدهم فقه پزشکی ؛ پرونده هشتم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه فی هذه الساعة و فی کل ساعة وليا وحافظا و قائدا و ناصرا و دليلا

وعينا حتى تسكنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا

اجیر کردن شخص برای آلوده کردن دیگری؛ پاسخ به چند پرسش؛ پرسش سوم

پرسش سوم این بود که آیا در حال حاضر امکان قصاص هست یا نه؟

آیا امکان دارد شخص مبتلا کننده را که مباشر هست ، قصاص کرد؟

در این جا مستحضرید یک اصلی هست در فقه و قانون مجازات اسلامی با این عنوان که جایی قصاص جایز است که مماثلت

کامل میسر باشد؛ این جا ممکن است مدعی شویم که مماثلت کامل میسر نیست؛ چه بسا مجنی علیه فوت نکند ولی این شخص

را شما ویروس به بدن او وارد کنید او فوت کند...

به هر حال بحثی که هست این که اصل قصاص ثابت است اما فی الحال نمی توان قصاص کرد.

سوال این است: حال که مباشر قصاص نمی شود آیا رها شود؟ فقه ما می گوید اگر می خواهند ارش یا دیه بگیرند، اگر مورد ،

مورد ارش باشد، مجنی علیه ارش بگیرد اگر مورد ، مورد دیه باشد که شارع مقدس مشخص کرده است ، زوال منافع دیه دارد

که مشخص است و باید دیه داده شود؛ پس قصاص نیست ولی دیه یا ارش هست.

ماده 477 قانون مجازات اسلامی مصوب 70 که متخذ از فقه است ؛ می گوید: د رهر جنایتی که موجب زوال یا نقص منافع

گردد و دیه آن معین نشده باشد ،ارش تعلق می گیرد.

نکته ای که در این جا هست این که قانون مجازات مصوب 92 برای مباشر زندان تعیین کرده است؛ ماده 614 قانون مجازات

اسلامی جدید، می گوید: هر کس عمدا به دیگری جرح یا زخمی وارد آورد ، که موجب نقصان یا شکستن یا از کارافتادن

عضوی شود، یا منتهی به مرض دائمی شود یا فقدان یا نقص یکی از خواص و منافع یا زوال عقل مجنی علیه گردد در مواردی

که قصاص امکان نداشته باشد چنان چه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت وامنیت جامعه و بیم تجری مرتکب یا

دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم

می شود.

پس قصاص منتفی شد اما زندان سر جایش هست ولی هم ارش هم دیه محفوظ است .

فقه ما در خصوص موضوع زندان ساکت است و ندارد؛ فقط روی این اصل که لکل ذنب تعزیر ؛ متمرکز استاگر دامنه

تعزیر را کشانیدیم به زندان، زندان هم مطرح میشود.

گاهی قانون گذار تعزیر را قانونی می کند آن هم به جهت وحدت رویه است ...که دادگاه ها استناد کنند امانکته این است که همه

این ها به شرط اخلال در نظم و صیانت کشو رمصادق پیدا میکند.

اما در مورد مثال ما که پزشکی مثلا آمپولی را به بدن بیماری تزریق کند، مصداق نمی یابد مگر این که این کار تکرار شود؛ یا

یک جمعی را مبتلا کند که موجب اخلال شود....و گرنه باید از قانون مفهوم گیری کرد..

با این که «لکل ذنب تعزیر» را ما قبول نداریم اما به هر حال در مورد مثال ما باید ضوابطی باشد...

در فرض ما یک اجیر کننده هم بود؛ قرار شد ما اجیر کننده را در باکس معاون تعریف کنیم و نه آمر؛ آمر مربوط به جایی که فرماندهی هست و طرف را امر می کند و او هم مکره می شود؛ این جا طبیعتا بحث معاون مطرح است.
معاونت در جرم

معاون در جرم، طبیعتا مجازاتش مختلف است.

ماده 126 می گوید:

ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی: اشخاص زیر معاون جرم محسوب می شوند: الف - هرکس، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوء استفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد. ب - هرکس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد.
ماده 127 می گوید:

در صورتی که شرع یا قانون مجازاتی تعیین کرده برای معاون مثلا در باب قتل که حبس است ولی اگر نه مجازاتش به شرح ذیل است

هرگاه مجازات مرتکب قتل عمدی، قصاص باشد، معاون به حبس تعزیری درجه 2 یا 3 محکوم میشود (یعنی بیش از پانزده تا بیست و پنج سال یا بیش از ده تا پانزده سال)

.....

معاون تعزیر دارد اما قصاص ندارد؛ دیه و ارش هم متوجه او نیست.

مسئولیت مالی ندارد چون او جرم را انجام نداده است؛

سوال دیگر که مطرح شد این بود که آیا میتوان به لحاظ ایراد جرح عمدی، حکم به دیه کرد؟

جواب این است که: بله! این جا اگر زخمی وارد شده است، ولو کم ولی معمولا دیه زخم و ارش بالا است؛ یا زوال منافع... به هر حال باید پرداخت شود

سوال این است که آیا باید صبر کرد ببینیم کار به کجا می رسد یا باید دیه را پرداخت کرد؟

سال قبل این بحث بود که اگر کسی به یک نفر ضربه بزند، و او مبتلا شود به مرگ مغزی؛ مرگ مغزی هم شوخی بردار نیست یعنی طرف بیچاره می شود و به این معنی است که بسیاری از منافع او زائل می شود؛ از یک طرف بحث قصاص هست گفته می شود باید صبر کرد اگر مرد، باید جانی قصاص شود... بحث این است که اگر پای دیه وسط بیاید باید صبر کنیم تا بمیرد و طرف یک دیه بدهد؟

یا می شود دیات متعدد گرفت؟

این خیلی متفاوت می شود این که صبر کنیم تا وضع طرف ببینیم به کجا می رسد، یک دیه باید بدهد مخصوصا اگر خطئی بوده یا شبه عمد بوده که قصد کشتن هم در کار نبوده است یک دیه باید بدهد به وارثان مصدوم و مقتول ولی اگر گفتیم برای چه صبر کنند؟ باید دیه را فی الحال حساب کرد پزشک قانونی می آید و می گوید ایشان ده یا بیست منافع را از دست داده است؛ بیست دیه کامل شما باید بدهید. سال گذشته ما این را گفتیم که باید صبر کرد، یا این که صبر هم لازم نیست....

سوال این است که این مدت انتظار آیا برای همه موارد موضوعیت دارد یا نه؟

اگر این طور باشد باید تا یکسال صبر کرد و بعد یکسال باید حکم شود؛ و اگر هم حکم شد، دیگر بر نمی گردد....

ما در گذشته معتقد بودیم که نباید مخارج را متوجه آسیب زننده کرد؛ نظرات مختلف است برخی معتقدند باید تمام هزینه های درمانی را جانی تا آخر پرداخت کند و برخی نظری خلاف این رویه را دارند. تا نظری که معتقد است اگر از دیه و ارش بالاتر شد باید بدهد و اگر بیشتر نشد لازم نیست بپردازد....

ما به دلیلی قانع کننده دست پیدا نکردیم؛ البته اشکال گرفته نشود لاجرح و لاضرر و ..چه می شود؛ شما فرض را بر این

بگذارید که همه این مباحث دیده شده است؛ دو نکته می ماند آیا فاصله زمانی باعث می شود که ما در استناد قتل به همین

شخص مباشر کسی که آمپول زده شک کنیم؛ البته شما بر مصادیق دیگری بحث کنید؛

مثلا کسی ده سال پیش تصادف می کند و مثلا فوت به سبب این حادثه باشد و یا شخص توسط کسی بیمار می شود اما بیمار

پس ا زمدت طولانی فوت کند ، جریان قصاص و دیه و ...چه می شود؟

ویک مطلب دیگر این که اگر جنایتی عمر را کم کند، باید مثلاً ده سال عمر کند ،هشت سال عمر کند مثلاً شخص زمان جنگ شیمیایی شود و بجای این که فلان مقدار عمر کند زودتر فوت کند، پزشک قانونی معتقد می شوداین بخاطر شیمیایی شدن است داستان چه می شود؟

تاملی بر این مساله داشته باشید تا انشالله پرونده این مساله را ببندیم و برویم سراغ پرونده دیگر.